

# مسجد در کلام رهبر

سخنای  
مقام معظم رهبری  
حضرت آیت الله خامنه‌ای

اشاره:

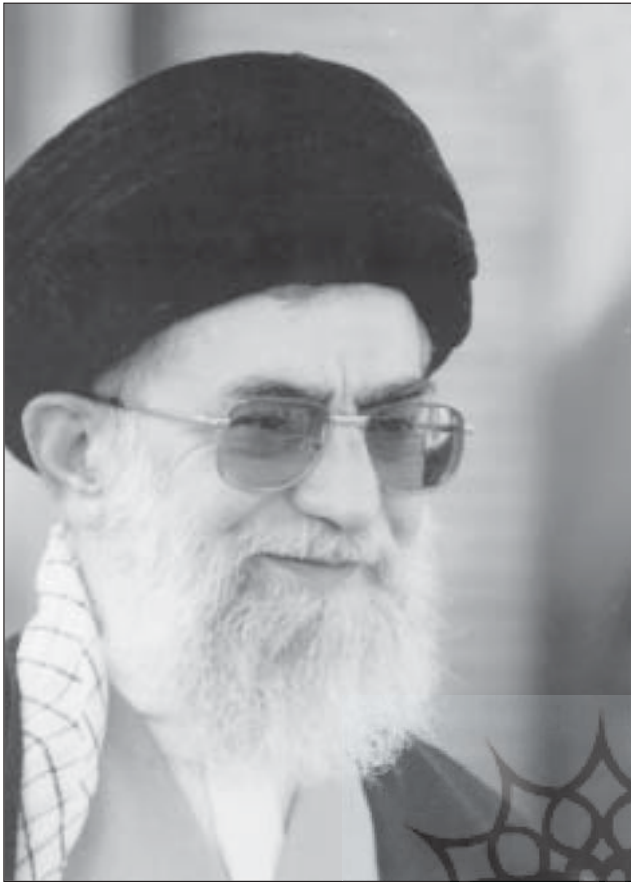
تاکنون رویه مجله در این بخش، درج کامل یکی از مهمترین سخنان مقام معظم رهبری در هفته های پیش از انتشار مجله بوده است. اما در این شماره به مناسبت «هفته جهانی مسجد»، برآن شدیم تا گزیده ای از سخنان ایشان درباره مسجد را به محضر خوانندگان گرامی تقدیم داریم. آنچه پیش رو دارید، حاصل این تلاش است.

## اهمیت مسجد در مناطق خاص

کار اداره مسجد در همه جا مهم است، اما بدون شک در نقاط خاص، این شغل اهمیت مضاعفی پیدا می کند؛ که تهران و تا حدودی، حومه تهران از این قبیل است. لذاست که نفس مسئولیت امامت جماعت در مساجد، مسئولیت مهمی است. ۷۳/۸/۴

## مسجد بهترین مکان برای حفظ دین مردم

ما باید نگران دین مردم باشیم. بهترین جا برای حفظ دین مردم، همین مساجد است. من به شما عرض کنم که: آقایان! بعد از انقلاب، مساجد در چشم صاحبان مساجد - متأسفانه - ارزششان را از دست دادند. تا کسی در جایی یک اشتغال مختصر پیدا کرد، فوراً مسجدش تعطیل شد. اول ظهر و عصر را تعطیل کرد، بعد مغرب و عشا را تعطیل کرد، نماز صبح هم که اصلاً نبود؛ اینها اشکال است. باید تلاش کنید بدون تعطیل - هر سه وقت - در مساجد تهران نماز خوانده بشود: هم صبح بروید نماز؛ هم ظهر و عصر را بخوانید؛ هم مغرب و عشا را بخوانید. نفرمایید مأمومین نمی آیند. به تجربه ثابت شده است که اگر ائمه جماعت حاضر باشند، مأمومین می آیند؛ مردم نماز جماعت می خواهند. وقتی امام جماعت نرفت یا وقتی دیر و نامنظم رفت؛ اذان مغرب را دادند و نیم ساعت هم گذشته، وقت فضیلت تمام شده، تازه آقا نفس نفس زنان سر می رسد، این



نماز جماعت نشد که! وقت نماز ظهر می گذرد؛ دگانش را بسته و آمده آنجا نشسته است؛ منتظر است که آقا تشریف بیاورد، آقا نمی آید؛ بعد معلوم می شود که مثلاً آقا امروز کار داشته است. این که نمی شود؛ این نماز جماعت نشد. امام جماعت باید اول وقت در محراب، اقامه جماعت بکند. باید قبل از وقت آنجا نشسته باشد. بعد از اقامه نماز رویش را به مردم بکند و همچنانی که مستحب است، با مردم حرفی بزند؛ امکانی بدهد تا آنها از او سؤال کنند. وقتی ما خودمان را در مسجد به مردم نشان ندهیم، بعد از شش ماه که یک شب فرصتی پیدا کردیم، همه می ریزند سرمان؛ ولی وقتی هر شب باشیم، این طور نمی شود. هر شب به چند نفر از مردم می رسیم؛ سؤالی می کنند، مسئله ای دارند، می خواهند وجوهاتی بدهند، شکایتی از کسی دارند. مسجد مهم است. همچنان که امام فرمودند، واقعاً مسجد سنگر است و این سنگر را باید صاحب سنگر حفظ کند؛ دیگران هم به او جذب می شوند.

۷۳/۸/۴

### حفظ امید مهمترین وظیفه امامان جماعت

این گردهمایی ها همه را تشویق بکند برای اینکه مساجد آباد بشود. حضور در مساجد همیشگی بشود؛ ائمه جماعات به محتوای حرفها و مسائلی که می گویند، موعظه ای که می کنند و حدیثی که می خوانند، بیفزایند و مهمتر از همه، باید مردم را به دین و به نظام دینی و به آینده دین امیدوار نگه دارید؛ این وظیفه همه است. امیدوار نگه داشتن مردم در همه احوال، تکلیف بزرگی است که بر دوش همه است.

۷۳/۸/۴

### اهمیت مسجد سازی

طبق بینش ما، یادگارهای اسلامی عزیزند. می شد اسلام به مردم بگوید: بروید در زمین صافی بایستید و نماز بخوانید و عبادت کنید، در صورتی که به عمارت مسجد دستور داده است: «آئنا یعمر مساجد الله». آباد کردن مسجد ملاک است و تجسم و تجسد خارجی این کار مورد نظر اسلام می باشد؛ چون تأثیر بسزایی دارد.

۶۸/۴/۲۸

### بانک اذان دلهای افسرده را زنده می کند

همه آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند. من همین جا، خلاً اذان در جامعه مان را یادآور بشوم. در این تهران، صدای اذان به گوش انسان نمی رسد. چرا؟ اذان، یک شعار اسلامی است. ما با اینکه پشت بلندگو، تا دیر وقتی از شب، شعر یا قرآن یا نوحه بخوانند و مزاحم همسایه ها بشوند، مخالفیم. با چنین چیزی، مقابله هم می کنیم. اما با اینکه صدای اذان، اول ظهر و مغرب و صبح، بخصوص از حنجره ها خارج بشود، صد درصد موافقیم.

اذان، چیز خیلی خوبی است؛ «حی علی الصلوه»، «حی علی الفلاح»، «الله اکبر». چرا در جامعه اذان نیست؟ اذان با توجه،

به دلها امید می دهد. بانگ اذان، دلهای افسرده را روشن می کند. البته در سحرها، برای اذان صبح، از بلندگو استفاده نکنند؛ با حنجره اشکالی ندارد. هرچند وقت بیداری است، اما بلندگو ممکن است اسباب زحمت بشود. همه ظواهر جامعه، این طور باشد. مسجدها در وقت نماز، سرشار و مالا مال از انسانهای ذاکر و ساجد و راکع باشد.

چشمها، ظواهر را می بینند و پشت چشمها، دلها قرار دارند. خیال نکنید چشمها، شیشه ای هستند که در اینجا گذاشته اند. نخیر، پشت چشم، دل و جان و ذهن انسانی است. این چشمها و نیز دلها، که پشت آنهاست، باید از نشانه های اسلام پر بشوند. ۶۹/۳/۲

### طنین صدای اذان در کوچه های شهر

در جایی مثل تهران، اقلأ در چند مسجد از مساجد مهم، خوب است که با بلندگو اذان پخش بشود؛ حتی اذان صبح. در شهرهای کوچک هم به فراخور وسعت آن شهر، می بایست اذان صبح در چندجا پخش بشود. اما در ظهر و شب اذان بگویند؛ هم اذان بلندگو، هم جلوی مساجد، هم داخل مساجد و هم در خیابانها، تا مردم به اذان گفتن عادت کنند. ۶۹/۱۱/۱۹

### مسجد بهترین پایگاه بسیج

مساجد را رها نکنید. این نیروی مقاومت بسیج بهترین



### صندوق عمران مساجد

آن پیشنهاد مربوط به صندوق عمران مسجد هم بسیار پیشنهاد نو و جالبی است، من موافقم این کار انجام بگیرد. و عقیده ام این است که اگر شما این کار را شروع کنید، یکی از وظایف بنیاد مستضعفان این خواهد بود که به شما کمک بکند. یکی از خرجهای لازم، همین خرج است. یک جاهایی مسجد نداریم، یک جاهایی مسجد ویرانه داریم. مسجدهایی داریم که به آن رسیدگی نمی شود. البته توجه بکنید اولاً در این صرف و خرج یک تشکیلات اداری به وجود نیاید، مسجد یک رئیس طبیعی دارد، یک مدیر طبیعی دارد؛ و او امام مسجد است، از او استفاده کنید، از هیئت امنایی که در مساجد هستند استفاده کنید، یک تشکیلات جدیدی درست نشود، فقط یک مرکز پشتیبانی به وجود بیاید و لاغیر.

دیگر اینکه مساجد و حسینیه ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه، که عبارت بوده است از این که مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند، این سنت، بسیار سنت بابرکتی است. جوری نباشد که اگر شما یک صندوقی درست کردید یک جا، مردم بگویند خب، حالا که دیگر پول هست. الحمدلله - دولت دارد می دهد، ما دیگر چرا بدهیم؟ این نباید بشود. تبلیغات و جار و جنجال و فلان و فلان اصلاً نباید باشد. بلکه بتوانید پولهای مردم را هدایت کنید به این صندوق در درجه اول و آن: «آئمه ی عمر مساجدالله من آمن بالله» فوت نشود. این آیه قرآن، مایه تشویق مردم بوده است در طول سنین متمادیه، به ساختن مساجد، به تعمیر مساجد، به آباد سازی مساجد، به فرش مساجد. رو زیلوها می نوشتند؛ این را ما وقف کردیم. اینها دلبستگی مردم را به مسجد تأمین می کند. اینها از بین نرود که این کار یک ظرافتی لازم دارد. البته صندوق اگر نباشد، خب، همین وضع فعلی است. یک جاهایی اصلاً مسجد نداریم. محلّاتی گزارش هست که مسجد اصلاً نیست! در خود تهران؛ یا بعضی روستاها، شهرها، مسجد ندارند یا کم دارند یا مسجد خراب است و از این قبیل.

۷۵/۳/۲۸

### لزوم حفظ مساجد در طرح جامع شهرها

نقشه جامع را دو جور آدم، ممکن است بکشد؛ یک جور آدمی که معتقد است مسجد را باید حفظ کرد؛ یک جور آدمی که می گوید نه آقا، مسجد با مثلاً زمین بایر چه فرقی دارد. دو جور آدم نقشه می ریزد. در یکی از شهرها بنده رفتم دیدم یک خیابان کشیده اند، که آن خیابان را ممکن بود مثلاً بیست متر آن طرف تر بکشند؛ چهارتا مسجد سلامت بماند. کما این که یک بنای قدیمی و تاریخی را که می خواستند سالم نگه دارند، توانسته اند سالم نگه دارند؛ اما مسجد را اصلاً اهمیت نمی دادند؛ ما با اینها اوقات تلخی کردیم. ما عرضمان این است که مصلحت اگر باشد اشکالی ندارد؛ مصلحت یک جماعتی، مصلحت مردم باشد، می شود مسجد را خراب کرد، اگر چنانچه واقعاً مصلحت باشد. اما این مصلحت چه جور تشخیص داده بشود؟ الان هر جا که گیر می کنند - برای این که چهارتا خانه را خراب کنند

جایی که دارد این گروههای مقاومت، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگهدارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد، با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه و صمیمی باشید که بحمدالله هستید و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت نماز را به جماعت پشت سرپیش نماز هر مسجدی که هستید بخوانید. در مراسم دینی مسجد، تبلیغات آنجا شرکت بکنید. و در دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت بکنید، شما و امام جماعت آن مسجد هر کس که هست، مشترکاً مسجد را حفظ کنید. جاذبه درست کنید برای مسجد تا بچه های محل، جوانهای محل، زن و مرد محل، مجذوب این مسجد بشوند که شما در آنجا هستید و بیایند. این مسجد بسیار چیز مهمی است و پایگاه مهمی است.

۷۱/۸/۲۷

### وضع مسجد در زمان طاغوت

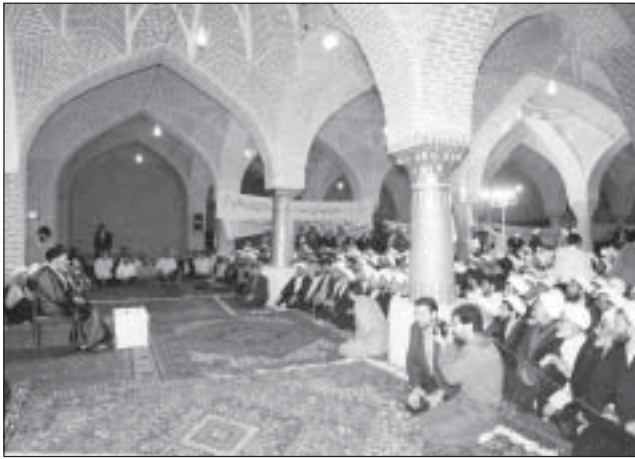
جوان مذهبی متدین متعبد وقتی وارد دانشگاه می شد، به خودش تلقین می کرد که کانه اینجا دیگر انسان از دین و قیود دینی و اینها باید خودش را آزاد نگه دارد، یا آزاد است، یا باید آزاد باشد، یا نمی شود آزاد نبود از قیود دینی، و نباید مقید به دین بود. لذا وقتی در یک دانشگاهی، مسجدی آن زمانها درست شد، همه تعجب می کردند. عجب! مسجد؟ توی دانشگاه؟! دانشجو و نمازخوان؟! تعجب می کردند.

۷۲/۵/۷

### کانونهای فرهنگی و هنری مساجد

کار فعال کردن کانونهای فرهنگی مساجد کار خوبی است، منتها مساجد - شما می دانید - یک رئیس طبیعی دارد و آن امام جماعت است. اگر شما جوری عمل کنید که آن امام جماعت، یا تصور کند که دارید شما جای او را تنگ می کنید، یا واقعاً جای او را تنگ کنید، یک معارضه ای در بطن این کار وجود دارد، حواستان باشد! و حالا اگر یک وقتی امر دایر شد بین کانون فرهنگی و امام جماعت، ما امام جماعت را مقدم می دانیم؛ این را به شما بگویم. غرض، حواستان باشد که نگویند این جا آخوند گرایی شد و گروه گرایی شد. چون قوام مسجد به آن آقای پیشنهادی است که آنجاست. حالا ممکن است میانشان یک آدمی باشد که خیلی فعال هم نباشد، چه نباشد، اما طبیعت کار این است. خیلی خب، حالا اگر شما جوری عمل کنید که آن آقا یا شما همکاری کند و تشویق بشود به همکاری، این دیگر «نور علی نور» است. غرض، حواستان باشد؛ به این نکته توجه کنید. این را من خواستم برای این که شما «عن بصیره» حرکت کنید.

۷۵/۲/۳۱



باید یک پولی بدهند؛ مسجد را که خراب کنند پول نباید بدهند - مسجد را می‌اندازند در مسیر. مساجد را در مسیر می‌اندازند. نه، این مصلحت نیست. باید با این واقعاً مقابله بشود؛ ایستادگی بشود.

۷۵/۴/۱۸

### مسجد منشأ نهضت‌های بزرگ

مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌های بزرگ و حرکات اسلامی بزرگی شده است. مثلاً در همین کشورهای آفریقا - کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند، مثل کشور الجزایر و دیگر کشورهای که سالها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسویها بودند - قیام این مردم از مساجد شروع شد؛ که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. آن روزی هم انقلاب در این کشورها رو به شکست رفت و استقلال خودشان را دوباره ملت‌ها از دست دادند که رابطه خودشان را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند. در صدر اسلام هم در زمان نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه‌واله‌وسلم) و همچنین در زمان حکومت بابرکت امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) مسجد، مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بود. نمی‌خواهیم حالا از لحاظ وضع زمان، تشبیه کنیم مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین - که اقتضائات هر زمانی متفاوت است - ولی مسجد به طور کلی به عنوان یک پایگاه دین، پایگاه عبودیت، پایگاه معرفت، می‌تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد.

۷۵/۱۰/۱۹

### اقبال مردم به مساجد از عوامل پیروزی انقلاب

علت این که این انقلاب مبارک در ایران اسلامی پیروز شد، یکی از علل این پیروزی و سهولت این پیروزی لااقل، این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند، جوانها مساجد را پر کردند، علمای اعلام مساجد را به عنوان یک مرکزی برای تعلیم، برای تربیت، برای روشنگری افکار و اذهان مورد استفاده قرار دادند؛ و مسجد شد مرکزی برای حرکت، برای آگاهی، برای نهضت، برای افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت، در دوره مشروطیت هم همین جور بوده است، در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین جور بود، در زمان انقلاب هم که این به حد اعلی رسید.

۷۵/۱۰/۱۹

### مسجد نقطه اتصال زمین و آسمان

مساجد را باید ملت ایران مغتنم بشمارند؛ پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب بیاورند. خطاست اگر کسی خیال کند در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند، این چه تأثیری دارد، این جور نیست. اولاً همان چند رکعت نماز هم اگر با چشم بصیرت نگاه شود،

خود نماز که «خیرالعمل» است، فلاح است، به زبان مشرّع مقدس نماز و اذان، خود همان نماز هم، مایه ی برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملت را به قیام لله وادار می‌کند. نماز انسانها را از فساد دور می‌کند، به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند. علاوه بر این در مسجد انواع عبادات هست، از جمله ی آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعة خیر من عبادة سنة» یا در بعضی از روایت «من عبادة اربعین سنة» یا «سبعین سنة»؛ این فکر را، افراد مسجد برو، به وسیله شنیدن سخنان عالم، عالم دین، فقیه به دست می‌آورند. بنابراین هم مدرسه است، هم دانشگاه است، هم مرکز تفکر و تأمل است، هم مرکز تصفیه روح است، هم مرکز خلوص است، هم مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند. به خدا انسان خود را در مسجد متصل می‌کند.

بنابراین قدر مساجد را باید دانست. در مساجد حضور باید پیدا کرد. بحمدالله در این سالهای اخیر به برکت انقلاب این معنا زیاد شده است و کیفیت پیدا کرده است. امسال در ایام اعتکاف در بسیاری از مساجد در سراسر کشور، جوانهای ما، زن‌ها، مرد‌ها، از قشرهای مختلف، از سنین مختلف، رفتند در مسجد ماندند، سه روز روزه گرفتند، سه روز با خدا مانوس شدند؛ بعد هم با گریه و اشک و آه مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند تا برای سال آینده آماده بشوند. این، علامت خوبی است عزیزان من برای یک جامعه که «الذین ان مکنناهم فی الارض اقاموا الصلوة» این، علامت یک حکومت الهی است. علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت گیری صحیح است. این را جدی بگیرید، تقویت کنید.

بحمدالله مسأله تنظیف مساجد و تطهیر مساجد و پاک‌سازی مساجد و غبارروبی مساجد، این کارهایی که این روزها دارد انجام می‌گیرد، عطرافشانی به مساجد، همه اینها کارهای خوبی است که بحمدالله دارد انجام هم می‌گیرد و خوب است که انجام بدهید.

۷۵/۱۰/۱۹

### راز جذب جوانان به مسجد

بروید سراغ مخاطبتان، زبان ویژه او را پیدا کنید و اگر

می خواندند می آمدند بیرون. که من خودم که ایشان را دیدم و می دیدم وضع ایشان را، ملاحظه رفتار ایشان موجب شد که بنده وقتی که خودم پیشنهاد شدم، اولین کاری که کردم این بود که وقتی وارد مسجد شدم، روی سجاده، پشت به قبله نشستم، جلوی مردم. مردم تعجب کردند که این آقای پیشنهاد چه کار دارد! چرا از این طرفی نشسته؟! یعنی رو به مردم کردم. کاری هم نداشتیم. نشستیم، منتظر کسی اگر حرفی می خواهد بزند، بزند. نماز هم که خواندم همان اولین نماز، یا دومین نماز، بلند شدم ایستادم، رو به مردم کردم، وصحبت کردم. یعنی سلاقی ۱۸۰ درجه تفاوت می کرد خب این واقعا یک مدیریت است. چه عیب دارد این فکر بشود رویش، تلویین بشود، آموزش داده بشود، این بسیار فکر نوی است.

دوم مسأله معماری مساجد است. الان، اتاکی درست می کنند اسمش را می گذارند مسجد. عیبی ندارد، شرعا هیچ اشکالی ندارد. اما خب چه قدر خوب است که این معماری مسجد همچنانی که در گذشته تاریخ ما وجود داشته، یک معماری شاخصی باشد که در آن نیازها ملاحظه بشود. غرض این است که شما ابتکار به خرج بدهید و دنبال کنید همین کار را. بسیار صحیح است و همین طور هر چه هم می توانید دامنه کار را گسترش بدهید و پیش بروید.

۷۶/۶/۱۶

#### علم و تقوا لازمه امامت جماعت

برای امام جماعت مسجد، حداقل چیزی که لازم است، علم و تقواست دیگر. از این دو تا نبایستی صرف نظر کرد. حالا چیزهای دیگر هم لازم است، کسی ممکن است جهات دیگر هم داشته باشد خیلی خوب است اما در مورد علم و تقوا شما سخت گیری کنید؛ بایستی آن کسی که آنجا می ایستد نماز، عالم باشد و عادل باشد؛ این دو تا دیگر غیر قابل اغماض است. حالا بقیه خصوصیات را هم داشت، آدم سخنوری بود، آدم عاقلی بود، چه بهتر. البته، در مقام ترجیح طبعاً مقدم است؛ اما اگر جهات دیگر را ندارد، از علم و تقوا که دیگر نمی شود صرف نظر کرد معمم بودن امام و روحانی بودن امام برای این است که تقدم علم و رجوع مردم به عالم معلوم بشود؛ والا اگر این جور نباشد چرا آنها می ایستند، دیگری بایستند.

۷۷/۹/۱۶

#### تربیت عالم مسجد مهمتر از ساخت مسجد

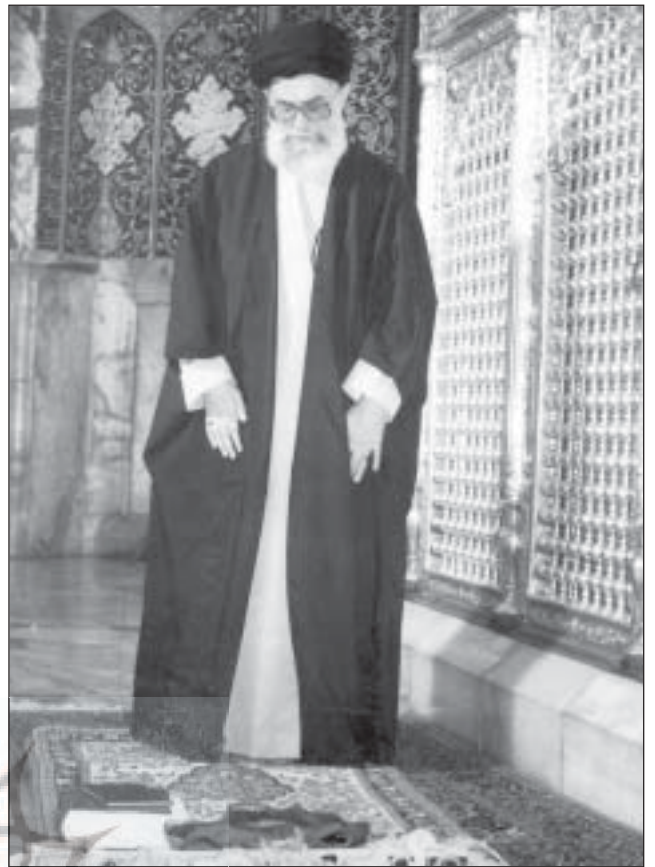
اگر چنانچه مسجد، در یک نقطه ای از نقاط نباشد و هیچ راه دیگری هم وجود نداشته باشد، آن جا را استثنائاً ما اجازه می دهیم از سهم امام مسجد بسازند؛ اما آن جایی که مسجد هست، می خواهند حالا توسعه بدهند، یکی دیگر می خواهند بسازند یا احتمال این که از طرق تبرع و زکوات بتوانند بسازند هست، این جا را بنده شبهه می کنم. برای خاطر این که من از مسجد واجبتر، عالم مسجد را می دانم. ما الان وجوهاتمان برای اداره عالم مسجد کم می آید؛ شما الان ملاحظه کنید وضع طلبه ها را ببینید چه جوری است؟ شما خودتان بروید قم

دیدید سخت است، یک راه میان بر داریم و آن زبان خوش است. زبان خوش. خیلی جای دوری نرویم. مسجد بنده، همیشه مملو از جوانها بود. آنهایی که نشان کفاف بدهد، می دانند. هیچ وقت مسجدی که بنده نماز می خواندم، بعد از نماز مغرب و بین نماز مغرب و عشا، توی مسجد جا نبود. همیشه بیرون مسجد جمعیت بود، صدی هشتاد هم، جوان. برای خاطر این که با جوان تماس می گرفتم. آن روزها، سالها، آنوقتها مد شده بود پوستینهای وارونه، جوانهای خیلی آلامد، می پوشیدند. یک جوانی از این پوستین وارونه یی ها، آمده بود صف اول نماز، پشت سجاده نشسته بود. یک حاجی محترم بازاری هم که خیلی مرد فهمیده ای بود. خیلی خوشم می آمد که او می آید صف اول می نشیند، آن هم نشسته بود. دیدم او رویش را کرد به گوش جوان، یک چیزی گفت، این جوان مضطرب شد. گفتم چی گفتی؟ جوان گفت: هیچ چیز اوهم گفت هیچ چیز. گفتم: نه، چی گفتی؟ فهمیدم که این آقا به او گفته که شما مناسب نیست با این لباس صف اول بنشینید، گفتم نه آقا، نه. اتفاقاً شما مناسب است همین جا بنشینید، تکان نخور از این جا، گفتم حاجی چرا می گویی جوان برود عقب؟ بنشین همین جا. بگذار بدانند که جوان پوستینه وارونه هم می تواند بیاید نماز جماعت بخواند و به ما اقتدا کند. اگر پول نداریم، اگر امکانات هنری نداریم، اگر فعلاً ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم، اخلاق که می توانیم داشته باشیم برادرها! «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» آن، آنی را که باید ابراز کنید، با اخلاق، بروید سراغ این جوانها، برید سراغ دلهای اینها، روحهای اینها، و رای قالبهای اینها. آن وقت تبلیغ انجام خواهد شد.

۷۶/۳/۲۶

#### نوآوری در مدیریت و معماری مسجد

نکته اساسی این کار شما این است که شما ابتکار به خرج دادید یعنی تلاش گوناگون اجتماعی و علمی و تحقیقی و هنری و همه را گذاشتید روی موضوع مسجد. چیز جدیدی است این. نکته دوم این است که در موضوعاتی هم که مطرح کردید برای دنبالگیری و تحقیق کردن در آنها هم ابتکارهایی مشاهده می شود. اما من می خواهم روی دو مسئله تکیه کنم. اول، مدیریت مسجد. خب یک مدیریتی است واقعاً، امامت جماعت، پیشنهادی یک مدیریت است. ما این را همین طور به صورت خودرو خود ما روحانیون و طلبه ها از اول این کار را انجام دادیم؛ هر کس هم یک جور طبق مذاق خودش، مزاج خودش. مرحوم پدر ما، مسجد وارد می شدند، سالهای سال ایشان امام جماعت بودند. نه یک کلمه ایشان به کسی حرف می زد. فقط جواب سلام. نه به کسی ایشان نگاه می کرد حتی همین طور آرام وارد می شدند می رفتند توی سجاده، نماز



مثل آقایان فعلی ما، روحانیون انقلابی و جوان فاضل، عیب کارشان این است که به مسجد، اعتنایی ندارند. ظهر می شود، مشغول کارند، یا جلسه دارند، مسجد هم دارند؛ این نمی شود. این کجا، سنت پیشنهادی در ایران کجا. معروف بود می گفتند که هر وقت پیشنهاد نیامد، تابوت را درب خانه اش ببرید؛ واقعاً این جور بود.

پدر من چهل، پنجاه سال - تا وقتی که از کار افتاد - پیشنهاد بود؛ مگر ممکن بود ایشان یک روز به مسجد نرود. ما در دوره بچگی و نوجوانی و آن وقتیهایی که پدرمان برای نماز می رفت، اصلاً برایمان معهود نبود که ممکن است نرود؛ یعنی اصلاً چنین چیزی مثل محالات بود، مثل این بود که یک روز آفتاب در نیاید. مگر پیشنهادی این جور می شود؟ حالا برف است، حالا جلسه است، حالا مهمانی است. خوب، همه چیز به جای خود محفوظ، وقتی که وقت نماز می شد - وقت مناسب نماز - اگر جلسه، یا مهمانی، یا مریض هم داشتند، هر چه بود، پا می شدند می آمدند؛ پیشنهادی این است.

اگر شما بتوانید، این روحیه را در آقایان ایجاد بکنید. من هم دائماً به این آقایان گفته ام که باید پیشنهاد برسد و در پست خودش باشد. من خودم در مشهد، پیشنهاد بودم؛ نه از آن پیشنهادهای مسن و پیر بودم، نه آن چنانی بودم، اما همین حالت در بنده هم بود. مدتی که من را از نماز جماعت ممنوع کرده بودند، فقط شبهای شنبه در مسجد امام حسن (ع) نماز می خواندم - مسجد کرامت را بسته بودند. یک سفر به مازندران - ساری - رفته بودیم، برنامه را جور تنظیم کردم که صبح جمعه در تهران باشم، برای شب شنبه. روز قبلش در ساری بودیم، این جوانها من را شناختند، دور و برم آمدند و به زور ما را داخل شبستانی از شبستانهای مسجد جامع ساری، برای نماز جماعت بردند. نماز خواندم و برایشان صحبت کردم. اصرار کردند که باید شما دو سه روز بمانید؛ گفتم نه، التماس کردند - از آن التماسهایی که هر روحانی را میخکوب می کند - گفتم نه، چون شب شنبه، نماز دارم و باید بروم؛ یک سخنرانی برای جوانها می کنم. هر کاری کردند، گفتم نمی شود. آنها گفتند: ای کاش پیشنهاد ما هم مثل شما بود ایشان مرتب به تهران می روند و خیلی اهمیت نمی دهند. پیشنهاد، این است؛ اگر وادارشان کنید، خوب است.

دوم این که هرکس از این آدمهای با صلاحیت را که ما گفتیم - مثلاً از قم - بیایند، فوراً گفتند که باید برای آقایان، خانه بگیریم. پیشنهاد، شرط پیشنهادی در یک مسجد، این است که برای یک خانه بگیرند. بالاخره در یک شهر، آدم می خواهد زندگی کند. هر چه بتوانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است. مسجد، کانون دین است؛ الان هم همین است. هیچ چیزی جای مسجد را پر نمی کند؛ یعنی سلولی است که آدم به تنهایی نگاه می کند؛ ولی همین مجموعه مساجد است که فضا را فضای دینی نگه می دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و با دین، آشنا می کند.

۷۷/۱۰/۱۹

یک سری بزنید؛ ببینید چه جور است، با چقدر زندگی می کنند. توی این شرایط این را که پول سهم امام صرف ساختن مسجد شود، واقعاً من جرأت نمی کنم.

۷۷/۹/۱۶

#### احیای مسجد قائم به پیشنهاد است

هر چه خدمت به مساجد و عمران مساجد بکنید، معلوم است که ان شاء الله ثوابش پیش خدای متعال، چه قدر زیاد است: «انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر». البته دوستانی که اشتغالهای اداری و کاری و اینها دارند، خیلی به مسجد اهمیت نمی دهند؛ اشکال این است. نایب نمی شود، فایده ندارد؛ باید خود پیش نماز به مسجد برود، و الا اسم مسجد به نام یکی باشد و یکی دیگر برود، مثل همه کارهای دیگری است که یک رئیس بیکار و یک نایب فعال دارد. اول انقلاب می خواستیم مشکل را آن جور حل کنیم، فایده نداشت. نه آن رئیس می توانست کاری بکند، نه آن نایب، قدرت و جرأت و مسؤولیت انجام کارهای حسابی را داشت؛ لذا کارها غالباً می ماند. این تجربه موفق نیست. خود من پیشنهادی کرده ام، می دانم که مسجد و پیشنهادی، یعنی چه. مسجد، قائم به پیشنهاد است. خادم، تأثیر خیلی کمی دارد؛ یعنی در مقایسه با پیشنهاد، واقعاً تأثیرش ده بر یک هم نیست. البته تأثیراتی دارد، اما ملکه ی زنبور عسل مسجد، پیشنهاد است. پیشنهاد که آن جا بود و جاذبه داشت، همه هستند. پیشنهاد، هر چه و هرکس هم باشد، وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تأثیر کمی خواهد داشت؛